

Coordination in Persian

Elham Khazama* 

Master of Linguistics, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran.

Mojgan Homayounfar 

Ph.D. of Linguistics, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran.

Abstract

Persian uses coordination as a primary strategy for constructing complex syntactic structures. This research compares coordination in two varieties of Persian: formal written and informal colloquial. There are different types of coordinators which are a subgroup of conjunctions in Persian including monosyndetic, bisyndetic and multisyndetics the latter has not been previously mentioned in research. Surprisingly, the null coordinator is the most frequent one in both formal written and informal colloquial Persian. Statistical analysis showed that /bâ/ “with”, a preposition with meanings ranging from instrumentality to companionship, also functions as a coordinator in both formal and informal Persian. This positions Persian among “With-languages”, contrasting with “And-languages” in typological studies.

Keywords: coordination, conjunctive coordinators, disjunctive coordinators, adversative coordinators, monosyndetic, bisyndetic, multisyndetic coordinators

* Corresponding Author: afsanehkhazama1360@gmail.com

How to Cite: Khazama, E., & Homayounfar, M. (2024). Coordination in Persian. *Language Science*, 11(19), 9-44. doi: [10.22054/LS.2020.36067.1152](https://doi.org/10.22054/LS.2020.36067.1152).

1. Introduction

This study aims to provide a clearer description and more accurate examination of Coordinators in Persian from a typological perspective.

Coordination is a syntactic process using conjunctions to combine two or more unique elements in order to create a complex structure. Conjunctions, of which coordinators are a subgroup, are classified by structure, function, and meaning. One main goal of this study was to achieve a complete classification of coordinators. Another goal was to compare coordination in formal written and informal colloquial Persian. This study identifies three types of coordinating conjunctions semantically: conjunctive, disjunctive, and adversative and three types structurally: monosyndetic (e.g., /va/ “with”, /jâ/ “or”), bisyndetic (e.g., /jâ ... jâ/ “or ... or”, /ham ... ham/ “too ... too”), and multisyndetic (e.g., /êe ... êe/ “which ... which”). Null coordination is also widely used in both varieties.

Research Questions

- 1- What types of coordinators are used in Persian?
- 2- Is there a significant difference in the use of coordinators in formal and informal Persian?
- 3- What are the distribution patterns of coordinators in formal and informal Persian?

2. Literature Review

Haspelmath (2004) defines coordinating construction as one in which all of the constituents are of the same syntactic category, maintaining semantic relations with other surrounding elements. He attempts to provide a universal definition of this syntactic process, common across languages, showing a vast range of differences alongside similarities. Coordination combines various syntactic structures, from noun phrases to clauses, using elements called coordinators.

Coordinated parts are reversible, without backward anaphora, and multiple conjuncts are possible.

Stilo (2004) examines coordination in three western Iranian languages: Vafsi, Gilaki, and two different registers of Modern Persian: colloquial Tehrani Persian and formal written Persian. He classifies coordinate conjunctions as monosyndetic and bisyndetic: conjunctive, adversative, and disjunctive, and discusses their historical origins and derivations. Stilo (2004) also addresses stress, intonation, and punctuation in these languages.

Stassen (2000) differentiates languages typologically by their strategies for encoding noun phrase conjunction: coordinate and comitative. This distinction leads to the classification of “And-languages” and “With-languages”. It is demonstrated that With-languages exhibit a tendency to drift towards And-languages. Stassen (2000) focuses mainly on noun phrase conjunctions to identify similarities and differences among languages.

3. Methodology

This research analyzes two varieties of Modern Persian: formal written and informal colloquial. The corpus for the formal variety includes the novel *Suvashun* by Simin Daneshvar, a prominent contemporary Iranian author from the late 1970s, and *seven movie scripts* (2014) by Asghar Farhadi, an Oscar-winning Iranian director, representing informal colloquial Persian. This research falls within corpus-based studies of Persian linguistics and compares the distribution of coordinators in the two varieties, contributing to comparative studies of languages. By classifying different types of coordinators in Persian, this study also contributes to typological studies.

4. Results

Persian coordinators are classified semantically as conjunctive, disjunctive, and adversative and from a structurally as monosyndetic,

bisyndetic, and multisyndetic. The most frequently used coordinator in both varieties is the conjunctive monosyndetic /va/ “and” and its clitic allomorph “o” in spoken Persian.


Comparison of the usage, frequency, and distribution of different types of coordinators in formal and informal Persian reveals Persian’s overall tendency to use coordination as a popular strategy for complex syntactic structures. Among 91260 words in *Suvashun*, there are 5472 coordinators, whereas only 83 coordinators are found in the 19500 words of the *seven movie Scripts*.


The analysis indicated that informal colloquial Persian prefers asyndetic structures - coordination with null/empty coordinator – more than formal written Persian.

Additionally, /bâ/ “with” functions as a coordinator in both varieties, reinforcing Persian’s classification as a “With-language” in typological studies.



همپایگی در زبان فارسی

الهام خزاما*  دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مژگان همایون‌فر  دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

در پژوهش حاضر، همپایگی در زبان فارسی در دو گونه فارسی نوشتاری رسمی و فارسی محاوره‌ای غیررسمی بررسی شده تا بسامد وقوع و توزیع هریک از انواع همپایه‌سازهای زبان فارسی در این دو گونه زبانی تعیین شود. با بررسی آمار به‌دست آمده و تفاوت کاربرد همپایه‌ساز در زبان فارسی گفتاری/محاوره‌ای و نوشتاری/رسمی می‌توان گفت که گونه محاوره‌ای، تمایل بسیاری هم به ساخت همپایگی ناآشکار و هم به کاربرد ساخت وابستگی در مقابل ساخت پیوستگی یا همپایگی دارد. دستاورد دیگر پژوهش حاضر، قراردادن /bâ/ «با» در دسته همپایه‌سازهای عطفی زبان فارسی بوده است. نگارندگان آزمون جایگزینی را برای نظریه خود ارائه داده‌اند؛ یعنی با جایگزینی /va/ «و» به جای /bâ/ «با» در ساخت‌های همپایه و باتوجه به تغییر نکردن چشمگیر معنای ساخت نشان دادند که می‌توان /bâ/ «با» را همپایه‌ساز زبان فارسی در نظر گرفت. این نتیجه‌گیری زبان فارسی را در رده زبان‌های /bâ/ «با» قرار می‌دهد که در کنار زبان‌های /va/ «و» در رده زبانی جهانی از منظر همپایگی هستند.

کلیدواژه‌ها: همپایگی، همپایه‌ساز ربطی، فصلی و نقضی، همپایه‌ساز تک‌حرف‌ربطی، دو‌حرف‌ربطی و چندحرف‌ربطی.

۱. مقدمه

در پژوهش حاضر دو گونه‌ی زبانی^۱ فارسی نوشتاری رسمی^۲ و فارسی محاوره‌ای غیررسمی^۳ بررسی شده‌اند. پیکره‌ی متنی^۴ برای فارسی نوشتاری رسمی کتاب سووشون سیمین دانشور و برای فارسی نوشتاری محاوره‌ای هفت فیلم‌نامه از اصغر فرهادی بوده است. بالغ بر ۴۶۰ ساخت همپایه آشکار^۵ در تمامی ساخت‌های نحوی^۶ از هر دو گونه‌ی زبانی گردآوری شد. با بررسی تمام کتاب فرهادی که شامل ۶۶۰ صفحه بود، تنها ۴۶۰ ساخت همپایه آشکار با تمامی همپایه‌سازها^۷ و در تمام ساخت‌ها یافت شد؛ درحالی‌که در کمتر از ۱۰۰ صفحه اول کتاب ۳۶۰ صفحه‌ای دانشور، این تعداد ساخت همپایه در تمامی انواع و ساخت‌ها یافت شد. اگرچه بافت کتاب دانشور از انسجام بیشتری نسبت به کتاب فرهادی برخوردار بود و کتاب فرهادی به دلیل این که فیلم‌نامه بود، صورت گفتمانی داشت و هر پاره گفتار^۸ در یک خط نوشته شده بود، با بررسی تعداد واژه‌های هر دو پیکره این نتیجه به دست آمد که کاربرد همپایه‌سازها در فارسی رسمی به مراتب بیشتر از فارسی محاوره‌ای است. شایان ذکر است که از میان ۹۱۲۶۰ واژه به کاررفته در پیکره نوشتاری رسمی پژوهش، تعداد ۵۴۷۲ همپایه‌ساز /va/ «و» یافت شد، درحالی‌که از میان تمامی ۱۹۵۰۰ واژه به کاررفته در پیکره محاوره‌ای پژوهش، تنها ۸۳ مورد همپایه‌ساز /va/ «و» مشاهده شد.

با بررسی آمار به دست آمده و تفاوت کاربرد همپایگی در فارسی محاوره‌ای و رسمی می‌توان گفت که محاوره، تمایل بیشتری هم به ساخت همپایگی ناآشکار^۹ و هم به کاربرد ساخت وابستگی (ناهمپایگی)^{۱۰} به جای ساخت همپایگی دارد. علاوه بر تفاوت در بسامد وقوع، تنوع و توزیع همپایه‌سازها نیز در این دو گونه‌ی زبانی متفاوت است. مقاله حاضر تمامی این جوانب را از منظر آماری بررسی کرده است. به دنبال مقدمه، مروری بر مطالعات

-
1. language variety
 2. formal written Persian
 3. informal colloquial Persian
 4. text corpus
 5. overt coordination
 6. syntactic structures
 7. coordinator
 8. utterance
 9. covert coordination
 10. subordination

پیشین، آشنایی با پژوهش استیلو^۱ (2004)، تحلیل داده‌های فارسی و نتیجه‌گیری به ترتیب بخش‌های اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهند.

۲. پیشینه پژوهش

ناتل خانلری (۱۳۸۸: ۱۳۹) حرف ربط^۲ را آن دسته از حروف دانسته که دو کلمه یا دو قسمت از دو جمله یا دو جمله مستقل را به هم ربط می‌دهد. او پیوندها^۳ را به دو گروه پیوندهای معنوی و پیوندهای لفظی تقسیم‌بندی کرده است که دو جمله مستقل را به هم پیوند می‌دهند:

(۱) شمع را افروخته، اتاق روشن شد (پیوند معنوی).

(۲) اتاق روشن شد، زیرا که شمع را افروختم (پیوند لفظی).

ناتل خانلری تقسیم‌بندی مستقلی برای حروف ربط همپایگی قائل نشده است، اما از میان حروف، از /va/ «و» (حرف عطف)، /bâ/ «با» و /ce...ce/ «چه ... چه»، /na...na/ «نه ... نه» و /ham...ham/ «هم ... هم»، نام می‌برد (ناتل خانلری، ۱۳۸۸: ۲۴۸):

(۳) چه برای کُر بزنی، چه برای کور برقصی.

(۴) هم ریسمان گسست، هم دوک شکست.

او /va/ «و» را حرفی معرفی می‌کند که دو کلمه یا دو جمله را به یکدیگر عطف می‌کند و در خط فارسی به صورت /va/ «و» نوشته می‌شود که تلفظ آن در زبان گفتار /-o/ است. او ریشه این لفظ را مربوط به زبان‌های ایرانی باستان و میانه دانسته است. نکته قابل توجه دیگر اینکه از میان ده کاربرد گوناگونی که وی برای /bâ/ برمی‌شمارد، یکی از آنها کاربرد این حرف به جای حرف عطف /va/ است:

1. Stillo, D.
2. conjunction
3. connector

(۵) یزید بن المهلب اهوازه با بصره بگرفت.

در پژوهش قریب و همکاران (۱۳۷۳: ۸۳) می‌خوانیم که حرف ربط یا پیوند کلمه‌ای است که دو عبارت یا دو کلمه را با یکدیگر ربط و پیوند می‌دهد و دو نوع حرف ربط وجود دارد: مفرد و مرکب. حرف ربط مفرد نظیر «همین»، «که»، «یا»، «و»، «نه»، «چون»، «چه»، «تا» و حروف ربط مرکب نظیر «چون که»، «چنان که»، «زیرا که»، «همین که»، «بلکه» و «تا اینکه» هستند.

شفائی (۱۳۶۳: ۱۲۹) این تعریف از حروف ربط که آنها را پیوندک می‌نامد، به دست می‌دهد: پیوندها آن دسته از اجزای کمکی کلام هستند که معانی لغوی خود را تماماً یا قسماً از دست داده‌اند و برای برقراری پیوندهای نحوی بین فراکردهای^۱ جمله‌های مرکب یا بین اعضای هم‌جنس جمله‌های ساده به کار می‌روند.

وی حرف ربط را مهم‌ترین و عمده‌ترین ابزار دستوری ارتباط و نمودار اصلی مناسبات نحوی بین فراکردهای جمله مرکب دانسته است. او معتقد است تمام زبان‌شناسان متفق‌القول‌اند که حروف ربط از اجزاء مستقل کلام (صفت، ضمیر، فعل و عدد و ...) به وجود آمده‌اند و به تدریج تمام و یا پاره‌ای از معنی لغوی خود را از دست داده‌اند و تنها به صورت نمایشگر معانی دستوری باقی مانده‌اند. او تقسیم‌بندی مستقلی از حروف ربط/ پیوندک‌های همپایه‌ساز ارائه نداده است، بلکه همپایه‌سازها را در قالب انواع جملات مرکب پیوسته تقسیم‌بندی کرده است. تمامی مثال‌هایی که وی ارائه داده از فارسی معاصر نیستند و او /va/ را پیوندک معجزه‌آسا خوانده است.

خطیب رهبر (۱۳۶۷: ۳۱) ابتدا به تعریف حرف ربط و سپس، به تقسیم‌بندی انواع گوناگون آن پرداخته است. حرف ربط یا پیوند کلمه‌ای است که دو کلمه یا دو ترکیب یا دو گروه مرکب از چند کلمه یا دو جمله را به هم پیوند دهد. در ابتدا، او به لحاظ مقوله‌ای ساخت همپایگی را به چهار گروه تقسیم‌بندی کرده است و داده‌های خود را عمدتاً از شاهنامه فردوسی، گلستان سعدی و متون متقدم آورده است. طبقه‌بندی وی بدین قرار است:

- ربط دو یا چند کلمه:

(۶) هنر هم خرد هم بزرگیم هست سواری و مردی و نیروی دست

- ربط دو ترکیب وصفی و اضافی:

(۷) با لشکر زمانه و با تیغ تیز دهر دین و خرد بست سپاه و سپر مرا

- ربط دو گروه مرکب از چند کلمه:

(۸) روی از مصاحبت مسکینان تافتن و فایده و برکت دیدن داشتن

- ربط دو جمله:

(۹) حسود از نعمت حق بخیل است و بی‌گناه را دشمن می‌دارد.

وی همچنین، حروف ربط را به لحاظ ساختمان به سه گروه تقسیم‌بندی می‌کند که تقسیم‌بندی سوم مختص ایشان است: الف) حرف ربط / پیوند ساده: و، هم، با، یا، و ...، ب) حرف ربط / پیوند مرکب: هم ... هم، ولیکن که، یا و .. یا و ... و پ) شبه حرف ربط / پیوند. شبه حرف ربط ترکیبی از حروف اضافه و ربط با کلماتی دیگر از قبیل ضمیر اشاره، اسم، قید و ... است و مثال‌های آن «آن چنان چون»، «آنکه ... که»، «با آنکه»، «هرجا»، «هرچند که»، «همان ... همان»، «همچنین» و ... است. به نظر او، اگر حرف ربطی دو جمله مستقل یا دو جمله پیرو یا دو جمله اصلی را به هم وصل کند، یا دو کلمه یا دو ترکیب یا دو گروه مرکب از چند کلمه را که در جمله یک نقش دستوری دارد بهم ربط دهد، به آن حرف عطف یا پیوند عطف‌ساز گفته می‌شود.

ماهوتیان (۱۳۷۸: ۷۸) رایج‌ترین انواع همپایه‌سازی را با حرف ربط عطفی ^۱ /va/، واژه‌بست /-o/، حروف ربط نقضی ^۲ /vali/ «ولی» و /ammâ/ «اما» و حرف ربط فصلی ^۳ (انفصالی) /jâ/ «یا» دانسته است. به زعم او، /va/ جمله‌هایی که از نوع همپایگی علی ^۴ یا توالی زمان‌ها باشند را به هم ربط می‌دهد. وی همچنین، به این نکته اشاره می‌کند که حذف

-
1. conjunctive
 2. adversative
 3. disjunctive
 4. causal

حرف اضافه مقصدنما، یعنی /be/ «به» از جمله‌های همپایه‌ای که ساخت‌های محذوف دارند ممکن نیست؛ هرچند حذف حرف اضافه مذکور در جمله ساده امکان‌پذیر است. این نکته در مثال‌های (۱۰) مقایسه شده است (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۹۴):

(۱۰) الف. سهیلا رفت (به) بازار.

ب. سهیلا رفت به بازار و سیما به سینما.

همچنین، بیش از دو جمله کامل یا دارای ساخت محذوف را می‌توان به هم وصل کرد. در این گونه موارد، برای ربط‌دادن جمله آخر به باقی جمله‌ها بیشتر از حرف ربط /va/ استفاده می‌شود تا واژه بست /o/. وی به استفاده از حرف اضافه /bâ/ در بین دو گروه اسمی برای بیان همراهی اشاره می‌کند و به این نکته توجه داشته است که فعل از لحاظ شخص و شمار با آن گروه اسمی که قبل از /bâ/ می‌آید، مطابقت می‌کند. شعبانی و همکاران (۱۳۸۹: ۱۴۹) تصریح می‌کنند که همپایگی در هر سطحی، حتی در سطح پایین‌تر از واژه نیز امکان‌پذیر است (شعبانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۹):

(11) Kim is studying pre- and post- verbal clitics.

آنها همچنین ادعا کرده‌اند که حرف ربط همپایگی با همپایه دوم یک سازه تشکیل نمی‌دهد و با ارائه مثال (۱۲) این نکته را تصریح کرده‌اند:

(۱۲) الف. احمد خیلی باهوشه.

ب. و خیلی عاقل

هرچند در مثال‌های (۱۲)، همپایه‌های ساخت همپایگی توسط دو سخنگوی متفاوت تولید شده‌اند، اما حرف ربط همپایگی /va/ همپایه نخست (خیلی باهوشه) را به همپایه دوم (خیلی عاقل) متصل کرده است. با بهره‌گرفتن از آزمون خودایستایی^۱، مشخص می‌شود که حرف ربط «و» با همپایه دوم یک سازه تشکیل داده است، چراکه این حرف ربط به همراه این همپایه و مستقل از همپایه اول توسط سخنگوی دوم تولید شده است.

1. The stand- alone test

ایشان تصریح می‌کنند که گویندهٔ دوم صرفاً با استفاده از حرف ربط همپایگی جملهٔ خود را به جملهٔ تولیدشدهٔ گویندهٔ نخست متصل می‌کند و یک ساخت همپایگی تولید می‌شود که همپایهٔ نخست را گویندهٔ نخست و همپایهٔ دوم آن را، گویندهٔ دوم تولید کرده است. از این رو، نمی‌توان به دلیل تولیدشدن همپایه‌های موجود در ساخت همپایگی توسط سخنگویان متفاوت، به این فرض قائل شد که حرف ربط همپایگی و همپایهٔ دوم یک سازه را تشکیل می‌دهند. در نهایت، این نتیجه به دست می‌آید که حرف ربط همپایگی در مثال‌های (۱۲) با هیچ‌یک از همپایه‌ها تشکیل سازه نمی‌دهد، بلکه صرفاً همپایه‌ها را به هم متصل می‌کند.

فرشیدورد (۱۳۸۴: ۵۲۶) همپایگی را در کنار بدل، تأکید و تفسیر یکی از اقسام چهارگانهٔ همسانی معرفی می‌کند و می‌نویسد مراد از همسانی آن است که کلمه یا سخنی با کلمه یا سخن دیگر ارزش دستوری مشترک و یکسان داشته باشد؛ مثلاً اگر یکی مفعول است، همسان آن هم مفعول باشد. وی همچنین در تعریف همپایگی می‌آورد:

همپایگی رابطه‌ای است که معمولاً به وسیلهٔ حروف ربط و گروه‌های ربطی همپایگی به وجود می‌آید. ممکن است حروف ربط (پیوند) و گروه‌های ربطی همپایگی (گروه‌های پیوندی همپایگی) در جمله حذف شوند، مانند «حسن، حسین، هوشنگ را دیدم» به جای «حسن و حسین و هوشنگ را دیدم».

طبقه‌بندی حروف ربط همپایگی از منظر فرشیدورد به این قرار است:

- ۱- افزایش: «و»، «هم»، «از»، «حتی»، «مخصوصاً»، «به علاوه»، «گذشته از این»، «وانگهی»؛ ۲- نفی؛ ۳- تضاد: «ولی»، «اما»، «لیکن»، «معهداً»، «با این حال»، «با وجود این»، «افسوس که»، «با این همه»، «هنوز»، «باز»؛ ۴- تصحیح: «برعکس»، «بالعکس»؛ ۵- نتیجه: «پس»، «تا»، «تا اینکه»، «بنابراین»، «در نتیجه»؛ ۶- توالی: «آنگاه»، «بعد»، «سپس»، «دیگر»، «پس»؛ ۷- تناوب: «یا»، «یا اینکه»، «والا»، «وگرنه»، «گاهی ... گاهی»؛ ۸- یکسانی (تسویه): «چه ... چه»، «خواه ... خواه»؛ ۹- استثنا: «مگر»

فرشیدورد (۱۳۸۴: ۵۲۷) از منظر ساختی حروف ربط را به سه دستهٔ بسیط (مانند «و»، «هم»، «یا»، «اما»، «لیک»، «لیکن»، «باز»)، مشتق (مانند «مخصوصاً»، «خصوصاً»، «مثلاً» و

«نتیجتاً» و مرکب (نظیر «بلکه»، «بالعکس»، «اگرچه»، «هرچند»، «ولو»، «همینکه»، «به جز»، «همچنین»، «گذشته از این»، «سپس» و ...) تقسیم می‌کند.

استیلو (2004: 272) همپایه‌سازها در زبان فارسی رسمی و محاوره‌ای را به لحاظ تعداد همپایه به دو گروه ساده و دوپایه و به لحاظ معنایی به سه گروه فصلی، عطفی و نقضی/علی تقسیم‌بندی می‌کند.

همپایه‌سازهای ساده عطفی «و» و صورت واژه‌بستی آن /-o/، «هم» و «که»، فصلی‌ها «یا» و «یا اینکه» و نقضی‌ها، «فقط»، «ولیکن»، «ولی»، «اما» و «بلکه» هستند. همپایه‌سازهای دو پایه عطفی /ham... o ... ham/ «هم ... هم»، /na...na/ «نه ... نه»، /na ... tanhâ ... / «یا ... یا»، /jâ...jâ/ «یا ... یا»، /ce ... ce/ «چه ... چه»، /xâh ... xâh/ «خواه ... خواه» و /gâh ... gâh/ «گاه ... گاه» هستند.

از دیگر مباحث مطرح در پژوهش استیلو (2004) امکان حذف همپایه‌ساز است. حذف همپایه‌ساز دو نتیجه در بر دارد: ۱- آهنگ ثابت^۱ برای نشان دادن ربط میان دو سازه باقی می‌ماند؛ ۲- آهنگ ثابت نیز حذف می‌شود و گروه‌های اسمی بدون همپایه‌ساز در مجاورت یکدیگر قرار می‌گیرند. از دیگر نکات حائزاهمیتی که وی بدان اشاره می‌کند، امکان استفاده از /-o/ به جای همپایه‌ساز نقضی است که در این موارد، آهنگ ثابت همچنان باقی می‌ماند. وی مثال زیر را برای این کاربرد ذکر می‌کند (Stillo, 2004: 302):

(۱۳) براش غذا آوردم و نخورد.

همچنین، وی اشاره می‌کند که پرکاربردترین همپایه‌ساز فصلی در زبان فارسی ... /jâ/ jâ/ است و این همپایه‌سازها با پسایند کردن^۲ همپایه دوم همراه‌اند و گرایش به حذف همپایه‌ساز نیز وجود دارد. استیلو (2004) همچنین، معتقد است کاربرد همپایه‌سازهای مرکب دوحرف‌ربطی (دوپایه) در زبان‌های ایرانی از دیگر زبان‌ها نظیر انگلیسی به مراتب بیشتر است. وی علت این امر را در گرایش کلی زبان‌های ایرانی به خروج سازه دوم از ساخت‌های همپایه می‌بیند که در مورد همپایگی بندها معمولاً به حذف بند منجر می‌شود.

1. sustained intonation
2. postposition

این گرایش طبعاً وقتی با همپایه‌سازهای مرکب سروکار داریم، با سهولت بیشتری امکان وقوع می‌یابد. دیگر اینکه همپایه‌سازهای مرکب در زبان‌های ایرانی کمتر از زبان‌هایی مانند انگلیسی مفهوم تأکیدی یا تقابلی دارند. وی پژوهش هسپلمث^۱ (2004) را نیز گواه این امر می‌گیرد که معتقد است زبان‌هایی وجود دارند که همپایه‌سازهای مرکب غیرتقابلی (غیرتأکیدی) دارند (Haspelmath, 2004: 14):

(۱۴) هم قهوه می‌خورم، هم چای.

(15) I drink both coffee and tea.

به‌علاوه، استیلو به مقوله همپایگی ناآشکار پرداخته است. در جای‌جای بخش تحلیل داده‌های پژوهش حاضر، به اثر استیلو (2004) اشاره خواهد شد.

۳. شیوه پژوهش

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، پژوهش حاضر در میان پژوهش‌های پیکره‌بنیاد و مبتنی بر داده‌های واقعی قرار می‌گیرد. پیکره متنی به کاررفته برای داده‌های گونه فارسی رسمی، کتاب سووشون نوشته سیمین دانشور است که نخستین بار در سال ۱۳۴۸ به چاپ رسیده است و پیکره متنی به کاررفته برای گونه محاوره‌ای غیر رسمی کتابی متشکل از هفت فیلمنامه به قلم اصغر فرهادی است که در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است.

۴. همپایه‌سازها در زبان فارسی: انواع، توزیع و بسامد

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، دسته‌بندی‌های متعددی از ساده و مرکب و مشتق گرفته تا تک‌حرف‌ربطی و دو‌حرف‌ربطی از حروف ربط همپایه‌ساز فارسی به دست داده شده است. در اینجا، تقسیم‌بندی سه‌گانه تک‌حرف‌ربطی یا تک‌پایه^۲ (مانند «و»، «یا»، «ولی»، «اما»، دو‌حرف‌ربطی (دوپایه)^۳ (مانند «هم ... هم» و «نه ... نه») و چندحرف‌ربطی (چندپایه)^۴ (مانند «نه ... نه ... نه»، «نه ... فقط»، «و... و ... اما» به دست داده شده است.

1. Haspelmath, M.
2. monosyndetic
3. bisyndetic
4. multisyndetic

همپایه‌سازها به لحاظ معنایی، به زعم استیلو (2004) به سه دسته عطفی، فصلی و نقضی تقسیم‌بندی می‌شوند. در نتیجه، ترکیبی از این دو تقسیم‌بندی در پژوهش حاضر به کار گرفته شده است. افزون‌براین، ساخت همپایگی در فارسی از منظر حضور / عدم حضور همپایه‌سازها به دو دسته همپایگی آشکار و ناآشکار تقسیم می‌شود. نشانه‌گذاری تهی^۱ نام دیگر همپایگی ناآشکار است. در ادامه این بخش، بسامد وقوع و نحوه توزیع انواع همپایه‌سازهای فارسی را در دو گونه نوشتار رسمی و محاوره‌ای غیر رسمی و در کنار آن، حضور یا عدم حضور همپایه‌ساز را در این دو گونه زبانی مقایسه خواهیم کرد.

۴-۱. همپایه‌سازهای تک پایه

پرکاربردترین همپایه‌سازهای تک پایه فارسی به قرار زیر هستند:

۴-۱-۱. همپایه‌ساز /va/ «و» و /-o/ «ا»

همپایه‌ساز تک پایه عطفی /va/ «و» و /-o/ «ا» در تمامی گروه‌های نحوی فارسی نوشتاری، با اختلاف فاحش نسبت به سایر همپایه‌سازهای فارسی پرسامدترین است. اگر این نکته را در نظر بگیریم که /va/ در فارسی نوشتاری و زمانی که متن با صدای بلند خوانده می‌شود به صورت /-o/ تبدیل می‌شود، می‌توان به یقین گفت که /-o/ پرسامدترین همپایه‌ساز فارسی است. اگرچه فراوانی رخداد /va/ در فارسی محاوره‌ای نیز مشهود است، اما در مقایسه با فارسی نوشتاری رسمی از بسامد به مراتب کمتری برخوردار است و توزیع آن بیشتر در سطح گروه اسمی است.

کاربرد این همپایه‌ساز در گروه اسمی در فارسی نوشتاری محاوره‌ای و نوشتاری رسمی تقریباً یکسان است. هر دو گونه زبانی تمایل به حضور همپایه‌ساز در ساخت همپایگی گروه اسمی دارند، حتی در همپایگی طبیعی^۲ در موارد اندکی نشانه‌گذاری تهی نمایان می‌شود. در این موارد، الگوی ساخت همپایگی طبیعی شبیه الگوهای ساخت واژه مرکب است و معمولاً همپایه‌ساز آشکار حضور ندارد. برای بحث بیشتر در خصوص همپایگی

1. empty/null marking
2. natural coordination

طبیعی و اتفاقی^۱ و همپایگی در کلمات مرکب می‌توان به پژوهش شقاقی (۱۳۸۷: ۱۲۱) رجوع کرد.

شایان توجه است که در پیکره محاوره‌ای پژوهش حاضر، از میان ۷۴ مورد ساخت همپایگی در سطح گروه اسمی، ۴۸ مورد ساخت همپایگی با /va/ بوده است و از میان داده‌های به‌دست آمده در پیکره رسمی، تعداد ۱۳۹ مورد ساخت همپایه یافت شد که ۱۲۸ مورد با /va/ همپایه شده بودند. تعدادی از این داده‌ها در جدول‌های (۱) و (۲) آمده است:

جدول ۱. ساخت همپایگی آشکار گروه اسمی در پیکره محاوره‌ای

دست و پا	من و تو	رد و بدل	اما و اگرها
کار و زندگی	خط و نشون	عروس و داماد	خط و نشون

منبع: فرهادی (۱۳۹۳)

جدول ۲. همپایگی با استفاده از /va/ در گروه اسمی در پیکره رسمی

ارث و میراث	خستگی و دل‌تنگی
اسم و رسم	افسرها و سربازها
آت و آشغال	کون و مکان

منبع: دانشور (۱۳۹۵)^۲

استیلو (2004: 278) معتقد است که از آن جایی که /-o/ واژه‌بست است و نمی‌تواند در جایگاه آغازی ظاهر شود، گویشور زبان فارسی هنگامی که فهرستی از عناصر را بیان می‌کند که پایانش باز است، در انتهای فهرست، آخرین همپایه را با /-o/ می‌آورد تا هر زمان که تمایل به افزودن سازه‌ای به فهرستش داشت، مجبور به تکرار سازه پایانی نباشد. در پیکره نوشتاری رسمی پژوهش حاضر نیز، موردی از این دست یافت شد:

(۱۶) مرهب و شمر و یزید و فرنگی و زینب زیادی و هند جگر خوار و عایشه و...

(دانشور، ۱۳۹۵: ۱۰۶)

1. non-natural coordination

۲. ذکر این نکته لازم است که از آنجایی که کاربرد صفت در مقام اسم در فارسی کاربرد گسترده‌ای دارد، در مواردی گروه‌های صفتی در این جدول در مقام گروه اسمی قلمداد شده‌اند. از این رو است که صفت‌های جانشین اسم نیز، در این جدول به چشم می‌خورند.

فرایند حذف همپایه‌ساز در گروه‌های اسمی، چه در محاوره و چه در گونه رسمی به‌ندرت دیده می‌شود. هسپلمت (2004) این نوع ساخت را همپایگی ناآشکار و استسن^۱ (2000) نشانه‌گذاری تهی می‌خواند. در پیکره محاوره‌ای پژوهش حاضر، ۱۳ مورد ساخت همپایگی ناآشکار در سطح گروه اسمی یافت شد که از آن میان، هفت مورد فهرست گروه اسمی بودند. همچنین، در داده‌های یافت شده از پیکره رسمی، هفت مورد ساخت همپایگی ناآشکار مشاهده شد که سه مورد از آنها فهرست گروه اسمی و سه مورد گروه اسمی فهرست‌وار بودند. به‌زعم استیلو (2004: 286)، اگر تعداد گروه اسمی بیشتر از سه همپایه باشد، با فهرست گروه اسمی سروکار داریم و اگر سه عضو در ساخت همپایگی گروه اسمی وجود داشته باشند که دو همپایه اول با نشانه‌گذاری تهی و همپایه پایانی با همپایه‌ساز /va/ همپایه شوند، آن ساخت، گروه اسمی فهرست‌وار است. در جدول‌های (۳) و (۴) تعدادی از گروه‌های اسمی فهرست و فهرست‌وار برگرفته از دو پیکره زبانی پژوهش حاضر نشان داده شده است:

جدول ۳. ساخت همپایگی ناآشکار گروه اسمی در پیکره رسمی

بیدمشک، اترج، شاطر، تارونه، نسترن و از همه بیشتر...
بچه‌هایمان، مادرهایمان، فلسفه‌هایمان...مذهبان...
حاج آقام، سودابه و محمدحسین
بی‌بی، خان‌کاکا و من
ابروهای پهن، چشم‌های سیاه، مژه‌های بلند، دماغ عقابی، با صورت سبز کشیده.

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

جدول ۴. ساخت همپایگی ناآشکار گروه اسمی در پیکره محاوره‌ای

استان‌های گیلان، مازندران، سواحل دریای خزر، ارتفاعات البرز و بخش‌هایی از آذربایجان...
مثل من، مثل شما
به بیننده‌های برنامه گرم‌تون، ایرونی‌های داخل، خارج، ...
گوشتی، مرغی، نونی
عربی، هندی، ایتالیایی

منبع: فرهادی (۱۳۹۳)

استسن (8: 2000) به نقل از میتون^۱ (332: 1988) می‌نویسد: گرایش به ساخت همپایگی با نشانه‌گذاری تهی، بیشتر در فهرست گروه‌های اسمی، گروه‌های اسمی فهرست‌وار و در جفت گروه‌های اسمی که یا به لحاظ مفهومی به هم مرتبط هستند و یا برحسب عادت کنار هم می‌آیند (او در اینجا به ساخت همپایگی طبیعی اشاره می‌کند) مشاهده می‌شود. اگرچه به زعم وی جفت گروه‌های اسمی تمایل به نشانه‌گذاری تهی دارند، اما در فارسی و به ویژه در گونه رسمی، حتی این نوع ساخت‌ها که می‌توان آنها را کلمات مرکب واژگانی شده خواند، تمایل به حذف همپایه‌ساز ندارند، مثل «عروس و داماد»، «سلام و علیک». شایان توجه است که استسن (9: 2004) تنها مثالی که از فارسی امروز آورده است، شبه‌فهرست گروه اسمی است:

(۱۷) مردا، زنا، و بچه‌ها

پرسامدترین همپایه‌ساز در همپایه‌سازی گروه‌های فعلی و بندها نیز /va/ و /-o/ است. از میان ۴۶۰ ساخت همپایگی از پیکره نوشتاری رسمی، ۱۶۳ مورد ساخت همپایگی آشکار با /va/ در سطح گروه فعلی و بند یافت شد، اما تنها شانزده مورد ساخت همپایگی آشکار با /va/ در سطح گروه فعلی و بند از میان ۴۶۰ مورد ساخت همپایگی در پیکره نوشتاری محاوره‌ای به دست آمد.

از تعداد داده‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که بسامد رخداد همپایه‌سازی با /va/ در سطح گروه فعلی و بندها در نوشتار به مراتب بیشتر از گفتار است و فارسی نوشتاری تمایل بیشتری به حفظ همپایه‌ساز دارد. همچنین، توزیع همپایه‌ساز /va/ در سطح گروه فعلی و بندها بیشتر از دیگر گروه‌های نحوی است. شایان ذکر تعداد قابل توجه جمله‌ها و نیز پاراگراف‌هایی است که در پیکره نوشتاری رسمی پژوهش حاضر با /va/ آغاز شده‌اند. شاید بتوان این امر را از دسته ویژگی‌های سبکی یا گفتمانی به شمار آورد و از این رو، از پرداختن به آن در اینجا چشم‌پوشی می‌کنیم.

1. Mithun, M.

جدول ۵. همپایگی آشکار با استفاده از /va/ در گروه فعلی و بند در پیکره رسمی

نانواها با هم شور کرده بودن و نان سنگکی پخته بودند که نظیرش را تا آن وقت هیچ کس ندیده بود.
مهمان‌ها دسته‌دسته به اطاق عقدکنان می‌آمدند و نان را تماشا می‌کردند.
چه نعمتی حرام شده و آن هم در چه موقعی.

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

به طور کلی، بررسی هر دو پیکره پژوهش نشان داد که همپایگی ناآشکار در گروه فعلی و بند در گونه محاوره‌ای رواج بیشتری دارد. شایان توجه است که مواردی که ساخت همپایگی ناآشکار در نوشتار نمایان می‌شود، محدود به زمانی است که نویسنده نقل قولی را از زبان شخصیت‌های داستان روایت می‌کند. در این موارد، اگرچه گونه زبانی به کاررفته در متن داستان گونه رسمی زبان فارسی است، ولی نویسنده تمایل دارد از ساخت نحوی رایج در فارسی محاوره‌ای استفاده کند. به نظر می‌رسد هدف نویسنده ایجاد ارتباطی ملموس بین شخصیت‌های داستان و خواننده باشد که پرداختن به آن از حوصله بحث حاضر خارج است و بیشتر به ویژگی‌های سبکی نویسنده مربوط می‌شود. درنهایت، از میان داده‌های یافت‌شده در پیکره محاوره‌ای، ۲۱۳ مورد ساخت همپایگی ناآشکار گروه فعلی و بندها به دست داده شد که ۱۵ مورد آن فعل‌های پایایی^۱ و یا شبه‌پایایی^۲ بودند. مثال‌هایی از همپایگی ناآشکار گروه فعلی و بند در جدول (۶) آمده است:

جدول ۶. همپایگی ناآشکار گروه فعلی و بند در پیکره محاوره‌ای

صداشو کم کن، آقات اومد.
خدای نکرده عملش کردن و فلج شد چه خاکی به سرت می‌کنی.
هیچ چاره‌ای نیست، من باید بچه‌ها رو خبر کنم.
تو راه یکی از دوستانش زنگ زد به موبایلش، ماجرا رو گفتم، گفتم که متأسفانه این جوری شده.

منبع: فرهادی (۱۳۹۳)

به‌زعم استسن (10: 2000)، بررسی وضعیت متأخر زبان‌ها نشان از محدود شدن کاربرد ساخت همپایگی ناآشکار/نشانه‌گذاری تهی دارد. او زبان فارسی باستان را به‌عنوان یکی

1. serial verbs
2. semi-serial verbs

از نمونه‌های زبانی که گرایش زیادی به ساخت همپایگی آشکار داشته معرفی می‌کند و می‌نویسد که زبان فارسی مانند دیگر زبان‌های امروزی، ساخت همپایگی ناآشکار را به حاشیه کشانده است. او همچنین، به نقل از میتون (1988: 355-357) می‌نویسد که این گرایش در سطح گروه اسمی و گروه فعلی و بندها مشابه است. این نکته را داده‌های پژوهش حاضر تأیید نمی‌کند. از داده‌های حاصل از دو پیکره بررسی شده می‌توان دریافت که تمایل به ساخت همپایگی آشکار در سطح گروه‌های اسمی در دو گونه رسمی و محاوره‌ای مشابه یکدیگر است و در هر دو گونه مذکور، کاربرد محدود نشانه گذاری تهی مشهود است، اما این گرایش در سطح گروه فعلی و بند محدودتر از گروه‌های اسمی است. شایان توجه است که حتی در پیکره رسمی، از میان ۳۰۷ مورد ساخت همپایگی در سطح گروه فعلی و بندها، ۵۳ مورد ساخت همپایگی ناآشکار یافت شد. در واقع، بسامد رخداد نشانه گذاری تهی در فارسی رسمی، بعد از /va/ در مقام دوم قرار دارد. در پیکره محاوره-ای نیز، از میان ۳۳۷ مورد ساخت همپایگی یافت‌شده، ۲۱۳ مورد ساخت همپایگی ناآشکار/ نشانه گذاری تهی یافت شد و تنها ۱۶ مورد ساخت همپایگی آشکار با /va/ مشاهده شد.

همپایه‌سازی گروه صفتی با استفاده از همپایه‌ساز /va/ در هر دو پیکره زبانی پژوهش حاضر تفاوت چندانی نشان نداد. گروه‌های صفتی در هر دو نوع گونه زبانی گرایش زیادی به حضور /va/ برای همپایه‌سازی دارند. به بیانی دیگر، در مواردی که بیش از یک صفت در مقام وابسته هسته اسمی در ساختار گروه اسمی شرکت می‌کنند، این صفات تنها با استفاده از /va/ همپایه می‌شوند. افزون‌براین، در اندک مواردی، کاربرد کسره اضافه در ساخت همپایگی صفتی دیده می‌شود که به زعم استیلو (2004: 281) کسره اضافه فقط برای همپایه کردن صفت‌های توصیفی کاربرد دارد. نمونه‌هایی از کاربرد کسره اضافه برای همپایه‌سازی صفت را می‌توان در مثال‌های (۱۸) و (۱۹) مشاهده کرد:

(۱۸) چشمهای گردِ سیاهش را به او دوخت و خندید.

(دانشور، ۱۳۹۵: ۱۱۰)

(۱۹) یک بویراحمدی سیاه چرده کوتوله هم رسید.

(دانشور، ۱۳۹۵: ۲۰۳)

داده‌های جمع‌آوری شده از همپایگی گروه صفتی دو پیکره در دو جدول (۷) و (۸) آمده است:

جدول ۷. همپایگی با استفاده از /va/ در گروه صفتی در پیکره محاوره‌ای

مؤدب و متین
آروم و گرم و...
غیرمجاز و اونجوریش
جمع و جور
چرت و پرت

منبع: فرهادی (۱۳۹۳)

جدول ۸. همپایگی با استفاده از /va/ در گروه صفتی در پیکره رسمی

بلندتر و پربارتر	تاریک و روشن
بی چشم و رو	مؤمن و زودباور و چشم‌بسته

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

یک مورد همپایگی گروه قیدی نیز در پیکره رسمی مشاهده شد:

(۲۰) آدم نباید این طور درباره اشخاص ندید و نشناخت حکم کند.

(دانشور، ۱۳۹۵: ۲۲۵)

استیلو (۲۰۰۴) در خصوص همپایگی فهرست گروه اسمی معتقد است که در برخی موارد در پایان فهرست، گویشور فارسی زبان همپایه‌ساز پایانی را بدون همپایه در انتهای فهرست رها می‌کند، از آن جهت که هر زمان بخواهد بدون تکرار سازه پایانی، همپایه‌ای را به فهرست اضافه کند. شایان توجه است که این پدیده در میان داده‌های یافت شده از همپایگی در سطح گروه صفتی نیز دیده شد. جمله ۲ از جدول (۷) گواهی بر این ادعا است.

۴-۱-۲. همپایه‌ساز /ham/ «هم»

/ham/ «هم» یکی دیگر از همپایه‌سازهای تک‌حرف‌ربطی است. کاربرد /ham/ به‌عنوان همپایه‌ساز به‌مراتب کمتر از /va/ است. از آن‌جایی که /ham/ کاربردهای مختلفی به‌لحاظ نقشی و معنایی دارد و تعیین مرز مشخص بین کاربردهای متفاوت آن گاه به‌آسانی صورت نمی‌پذیرد، از منظر پژوهش حاضر، آزمون جایگزینی راه‌حل مناسبی برای تعیین مرز مشخص بین «هم» همپایه‌ساز و دیگر معنا‌های آن خواهد بود. یعنی اگر با جایگزین کردن «و» به‌جای «هم» در ساخت‌های نحوی تغییر قابل‌توجهی در معنای آن ایجاد نشود، می‌توان «هم» را به‌عنوان همپایه‌ساز در نظر گرفت. از آن‌جاکه بسامد رخداد /ham/ به‌عنوان همپایه‌ساز بسیار کم است، در جدول (۹) داده‌های یافت‌شده از هر دو پیکره با هم آمده است:

جدول ۹. ساخت همپایگی با استفاده از /ham/

گفت این بابامه، اینم مامانمه.
می‌خواد که تو ازدواج کنی. منم به حرفش خندیدم.
صدای مرد بود. صدا هم آشنا بود.
عمه خانم بچه‌ها را برده روزه. خسرو هم با هرمز بیرون رفته.

همان‌طور که در جدول (۹) نمایان است، در داده‌های به‌دست‌آمده از پیکره‌های بررسی‌شده، هیچ موردی از ساخت همپایگی با /ham/ در سطح گروه اسمی یافت نشد. با استناد به این یافته‌ها، می‌توان ادعا کرد که /ham/ در هر دو گونه فارسی تنها بندها را همپایه می‌کند. شایان توجه است که از چهار مورد ساخت همپایگی با /ham/، دو مورد آن مربوط به پیکره محاوره‌ای و دو مورد مربوط به پیکره رسمی است. باتوجه‌به این دستاورد، همچنین می‌توان به این نتیجه رسید که این همپایه‌ساز در هر دو گونه زبانی از بسامد رخداد یکسانی برخوردار است.

ناگفته پیداست که تنها نقش /ham/ در فارسی همپایه‌سازی نیست. بررسی داده‌های هر دو پیکره نشان داد که پرکاربردترین /ham/ در معنای «همچنین» و «حتی» و در معنای تأکید است که پرداختن به آن مجال مستقل می‌طلبد.

۴-۱-۳. همپایه ساز /ke/ «که»

انواع /ke/ «که» در فارسی وجود دارد که پربسامدترین آن، حرف ربط پیرو ساز فارسی است که کاربرد آن در مقام همپایه ساز در نظر نخست دور از ذهن به نظر می‌رسد. همپایه-ساز /ke/ تنها برای پیوند دادن بندها و گروه‌های فعلی به کار می‌رود. نمونه‌ای از کاربرد /ke/ در مقام همپایه ساز را در مثال (۲۱) می‌توان شاهد بود:

(۲۱) منتظر آخرین چین گل نسترن بودیم که نیامد.

(دانشور، ۱۳۹۵: ۱۳۱)

پرداختن به /ke/ در مقام همپایه ساز نیاز به بررسی‌های به مراتب بیشتری دارد که جای آن در پژوهش حاضر نیست و می‌توان به آن از منظر موضوعی برای پژوهش‌های آتی نگریست.

۴-۱-۴. همپایه ساز /bâ/ «با»

/bâ/ «با» یکی دیگر از همپایه سازهای تک پایه در زبان فارسی امروز در هر دو گونه محاوره‌ای و رسمی است که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است. برای مثال، هسپلمت (۲۰۰۴) قائل به /bâ/ به عنوان همپایه ساز همراهی شده است و نیز، ناتل خانلری (۱۳۸۸: ۳۳۰) در کنار برخی دیگر از صاحب نظران، در دسته بندی‌ای که از /bâ/ به دست داده است، یکی از کارکردهای آن را حرف عطف هم معنی با /va/ معرفی کرده است. در پژوهش حاضر نیز، این کاربرد پذیرفته شده است. برای بحث بیشتر در این خصوص، می‌توان به پژوهش همایون فر و خزاما (۱۳۹۸) رجوع کرد. مواردی از کاربرد /bâ/ همپایه ساز در پیکره نوشتاری رسمی پژوهش حاضر در جدول (۱۰) آمده است:

جدول ۱۰. /bâ/ همپایه ساز در پیکره رسمی

خسرو با سحر از در طویله بیرون آمد.
من دست تنها ... با یک مشت پسر بچه ... آنجا چه می‌توانم بکنم.
پنج ساله که بود کاغذک هوا می‌کرد با فانوس‌های رنگی.
ابروهای پهن، چشم‌های سیاه، مژه‌های بلند، دماغ عقابی با صورت سبزه کشیده.
می‌دانید که ما با یوسف هم قسم شده بودیم.
ماشین ایستاد. زینگر با دو سرباز هندی از آن پیاده شدند.

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

۴-۱-۵. همپایه‌ساز /jâ/ «یا»

/jâ/ «یا» همپایه‌ساز تک‌پایه است که به لحاظ صوری متعلق به دسته همپایه‌سازهای فصلی است. در گونه رسمی فارسی در ساخت‌های همپایه با /jâ/ معمولاً جابه‌جایی سازه رخ نمی‌دهد، اما در فارسی محاوره‌ای، همپایه دوم تمایل دارد به جایگاه پس‌فعلی^۱ حرکت کند. به‌زعم استیلو، بیشترین کاربرد /jâ/ در جمله‌های پرسشی است که در آنها فرایند حرکت^۲ رخ می‌دهد. تعدادی از موارد همپایگی با /jâ/ در گروه فعلی، بند و گروه اسمی در هر دو پیکره زبانی پژوهش حاضر در سه جدول (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) آمده است:

جدول ۱۱. همپایگی با استفاده از /jâ/ در گروه فعلی و بند در پیکره محاوره‌ای

دروغ می‌گم یا راست.
مگه برات فرق می‌کنه من بمیرم یا زنده بمونم؟
زن و بچه‌ات منتظرتن یا ننه بابات؟

منبع: فرهادی (۱۳۹۳)

جدول ۱۲. همپایگی با استفاده از /jâ/ در گروه فعلی و بند در پیکره رسمی

می‌دانم عاقبت در یک روز سگی در یک گودال میفتی و جان می‌دهی یا در نوانخانه دنبال یک پیرزن می‌گردی که به او بگویی مادرا!
نشسته یا ایستاده بودند.
ندانست این حرف‌های خودش است، یا کسی یادش داده.

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

جدول ۱۳. همپایگی با استفاده از /jâ/ در گروه اسمی در پیکره رسمی

و او چقدر مغزش را می‌کاوید تا خاطره یا تجربه‌ای شاد و آرام‌کننده بیابد.
آدم‌های خونین یا بی‌حال را آدم‌های دیگر به دوش می‌کشند.
ته دلش امید داشت که پسر یا شوهرش به دنبالش بیایند.

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

1. postverbal position
2. wh-movement

از همپایگی گروه اسمی با /jâ/ در پیکرهٔ محاوره‌ای تنها یک مورد یافت شد:

(۲۲) تو رو جون بچه‌ات یه کاری برا من بکن، خودت یا خانومت.

(فرهادی، ۱۳۹۳: ۲۳۶)

یک مورد همپایگی گروه حرف اضافه‌ای با /jâ/ نیز در پیکرهٔ نوشتاری یافت شد:

(۲۳) با دندان یا با قلوبه سنگ هسته‌ها را کف اتاق می‌شکستند.

(دانشور، ۱۳۹۵: ۱۰۲)

همپایگی قید (گو اینکه می‌توان آن را همپایگی گروه اسمی نیز به شمار آورد) نیز تنها

یک مورد یافت شد:

(۲۴) تو فردا صبح اول وقت یا همین شبانه برو پیش زینگر و ...

(دانشور، ۱۳۹۵: ۱۸۳)

اگرچه به‌زعم استیلو (2004: 307) کاربرد /jâ/ برای ساخت همپایگی در جمله‌های پرسشی، بسامد رخداد بیشتری نسبت به جمله‌های خبری دارد، ولی در داده‌های یافت‌شده از پیکره‌های این پژوهش، کاربرد آن در جمله‌های خبری بیشتر بوده است. همچنین، کاربرد این همپایه‌ساز در سطح گروه اسمی بسامد رخداد کمی نشان می‌دهد.

۴-۱-۶. همپایه‌سازهای /ammâ/ «اما» و /vali/ «ولی»

در هر دو گونهٔ بررسی‌شده، در ساخت همپایگی آشکار و بعد از /va/ این دو همپایه‌ساز از دستهٔ همپایه‌سازهای تک‌پایهٔ نقضی، بسامد رخداد بیشتری دارند. /vali/ «ولی» در فارسی محاوره‌ای و /ammâ/ «اما» در فارسی رسمی متداول هستند. نسبت استفاده از /ammâ/ به /vali/ در پیکرهٔ رسمی پژوهش حاضر حدود سی به یک بود و جالب توجه اینکه، درست برعکس همین نسبت در پیکرهٔ محاوره‌ای مشاهده شد. توزیع این همپایه‌سازها در سطح گروه فعلی و بند از بسامد رخداد بیشتری نسبت به دیگر گروه‌های نحوی برخوردار است. همانطور که اشاره شد، در اینجا تلاش شده است تعداد داده‌ها در

هر دو گونهٔ زبانی متناسب با یکدیگر بررسی شود، اما این مسأله به‌هیچ‌روی به معنی یکسانی کاربرد همپایه‌سازها در این دو گونه نبوده است. تعداد /ammâ/ و /vali/‌های به‌کاررفته در پیکرهٔ رسمی چیزی حدود ده برابر بیش از آن چیزی بود که در جدول (۱۴) آمده است، درحالی‌که جدول (۱۵) تمامی موارد کاربرد /ammâ/ و /vali/ در پیکرهٔ محاوره‌ای را نشان می‌دهد. در کل پیکرهٔ رسمی، بالغ بر ۹۷۰ /ammâ/ و /vali/ به کار رفته است:

جدول ۱۴. همپایگی نقضی با استفاده از /ammâ/ و /vali/ در پیکرهٔ رسمی

هر دو فارسی می‌دانستند، اما شکسته‌بسته.
زری شنیده بود، اما تا با چشم‌های خودش نمی‌دید باور نمی‌کرد.
دوست داشتن دل آدم را روشن می‌کند، اما کینه و نفرت دل آدم را سیاه می‌کند.

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

جدول ۱۵. همپایگی نقضی با استفاده از /ammâ/ و /vali/ در پیکرهٔ محاوره‌ای

دل‌امون پیش همه، اما خودمون از هم دوریم.
تو خودت خوبی، ولی من که نمی‌تونم تا آخر عمر چشم‌مو ببندم هیچی نشنوم.
اصلاً نمی‌فهمی من چی می‌گم، ولی من این قدر می‌گم تا بفهمی.

منبع: فرهادی (۱۳۹۳)

داده‌های پژوهش نشانگر آن هستند که /ammâ/ و /vali/ می‌توانند در جایگاه آغازین جمله نیز ظاهر شوند، بدون اینکه آن جمله با جملهٔ قبل از خود در تناقض آشکار باشد. به نظر می‌رسد /ammâ/ و /vali/ می‌توانند ارتباط نقض میان دو سازهٔ دوردست را نیز برقرار کنند.

۷-۱-۴. همپایه‌ساز /fagat/ «فقط»

/fagat/ «فقط» یکی دیگر از همپایه‌سازهای تک‌پایهٔ نقضی است، اما پربسامدترین کاربرد آن در هر دو گونهٔ زبان فارسی بیان تأکید است. راه تشخیص آن به‌عنوان همپایه‌ساز، جایگزین کردن آن در ساخت همپایه با یکی دیگر از همپایه‌سازهای نقضی است. کاربرد

این همپایه ساز در پژوهش حاضر محدود به پیکره محاوره‌ای بود که داده‌های آن در جدول (۱۶) آمده است:

جدول ۱۶. همپایه ساز /fagat/ در پیکره محاوره‌ای

یارو بالاخره رضایت می‌ده، فقط حواس تو جمع کن.
فقط فردا بعد از ظهر یادتون نره، زودتر خالی کنید.
آقا سوییچ هم روشن، فقط کیف مدارکم نیست.

منبع: فرهادی (۱۳۹۳)

۸-۱-۴ همپایه ساز /montahâ/ «منتها»

/montahâ/ «منتها» یکی دیگر از همپایه‌سازهای تک پایه نقضی است که تاکنون کمتر در دسته‌بندی همپایه‌سازها قرار گرفته است. تنها همین تعداد کاربرد در هر دو پیکره بررسی شده در پژوهش حاضر یافت شد:

(۲۵) نمی‌دونم ... منتهاش تو خون این رفیق مون الان داره یه چیزی درست می‌شه.
(فرهادی، ۱۳۹۳: ۲۳)

(۲۶) مردم دست می‌زنند، منتها نه برای زینگر.
(دانشور، ۱۳۹۵: ۲۵۹)

(۲۷) عین همین کار را در جنگ اول کرده بودند، منتها آن بار با قاطر، نه با ماشین شخصی.
(دانشور، ۱۳۹۵: ۱۸۲)

۲-۴ همپایه‌سازهای دو حرف ربطی

همپایه‌سازهای دو پایه تکرار دو همپایه‌ساز تک پایه هستند. در این نوع ساخت همپایگی، هر سازه، همپایه‌ساز متعلق به خودش را دارد. حرکت همپایه‌ساز دوم و همپایه آن به جایگاه پس‌افعلی در این نوع همپایگی بسیار پرخداد است. در زیربخش‌های بعد با ذکر مثال این مطلب روشن شده است.

۱-۲-۴. همپایه‌ساز دوپایه /jâ ... jâ/ «یا ... یا»

این همپایه‌ساز فصلی در هر دو پیکره بررسی شده در پژوهش حاضر فراوانی یکسانی از خود نشان دادند که تعدادی از این موارد کاربرد در دو جدول (۱۷) و (۱۸) آمده است:

جدول ۱۷. همپایگی با استفاده از همپایه‌ساز دوپایه /jâ ... jâ/ در تمامی ساخت‌های نحوی در

پیکره رسمی

سرشب نشسته‌ام، با یک قابلمه ته‌چین قالبی از در می‌آید تو، یا یک بشقاب زردآلو کتانی، یا یک قاب نارنگی درشت ...
از قدیم گفته‌اند بچه یکی یکدانه یا خل می‌شود یا دیوانه.
پیرمرد شاید ناتوانی او را دریافت، یا شاید خواست به تحمل بخواندش، یا شاید برای دل خودش. به هر جهت، این شعر را زمزمه کرد ...

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

همان‌طور که در داده‌های به دست آمده در جدول (۱۷) مشهود است، همپایه‌ساز دوپایه /jâ ... jâ/ گاهی به صورت /jâ ... va jâ/ نیز ظاهر می‌شود. نکته قابل ذکر دیگر این است که حضور این همپایه‌ساز در جایگاه آغازی نیز مشاهده شد.

جدول ۱۸. ساخت همپایگی دوپایه /jâ ... jâ/ در تمامی گروه‌های نحوی در پیکره محاوره‌ای

یه دقه این بچه می‌خواد بره تو کوچه بازی کنه یا من باید برم باهاش بشینم در خونه، یا از پشت پنجره چارچشی بپامش.
تو یا باید این قضیه رو تا آخر عمرت تو دلت نگه‌داری و عذاب بکشی، یا این‌که همه چی رو به مامانت بگی.

منبع: فرهادی (۱۳۹۳)

۲-۲-۴. همپایه‌ساز دوپایه /ham ... ham/ «هم ... هم»

همپایه‌ساز /ham ... ham/ «هم ... هم» از منظر معنایی متعلق به دسته همپایه‌سازهای عاطفی و از منظر صوری متعلق به دسته دوپایه‌هاست. در جدول‌های (۱۹) و (۲۰) تعدادی از موارد یافت شده از کاربرد این همپایه‌ساز در دو پیکره متنی پژوهش حاضر به دست داده شده است. در مثال اول جدول (۱۹)، همپایه‌ساز دوم و همپایه آن به جایگاه پساغلی حرکت کرده است.

جدول ۱۹. همپایه‌ساز دو پایه **/ham ... ham/** در تمامی ساخت‌های نحوی در پیکره رسمی

با لیهایی که انگار هم سجاج داشت و هم دالبر.
بشارت هم می‌داد و هدایت هم می‌کرد.
پدرش قول داد که هم او را هم سحر را با خود ببرد.

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

جدول ۲۰. همپایگی با استفاده از همپایه‌ساز **/ham ... ham/** در تمامی ساخت‌های نحوی در پیکره محاوره‌ای

هم شیفت روز، هم شیفت شب.
هم تو خونه بهتر از این گیرت نمیومد، هم اون حال‌حالاها تو این محله مشتری پیدا نمی‌کرد.
از اولش هم باید تو تراس می‌داشتیم، یه ملافه هم می‌کشیدیم دید نداشته باشه.

منبع: فرهادی (۱۳۹۳)

همانطور که داده‌های یافت شده از هر دو گونه زبانی نشان می‌دهند، کاربرد **/ham ... ham/** در سطح بند از بسامد رخداد بیشتری نسبت به دیگر گروه‌های نحوی برخوردار است. در داده‌های به دست آمده از هر دو پیکره، تنها یک مورد ساخت همپایگی در سطح گروه اسمی یافت شده است.

۲-۳. همپایه‌ساز دو پایه **/na ... na/** «نه ... نه»

در ساخت همپایگی با استفاده از **/na ... na/** «نه ... نه»، فعل به صورت مثبت به کار می‌رود؛ امکان حذف فعل نیز در این نوع ساخت همپایگی وجود دارد. در داده‌هایی از این دست که از پیکره رسمی پژوهش جمع آوری شد، تشخیص اینکه با همپایگی گروه اسمی سروکار داریم یا با همپایگی گروه فعلی، آسان نیست. به علاوه، اینکه حذف گروه فعلی رخ داده است و یا با پس‌اندازی گروه اسمی سروکار داریم، محل تردید است. ورود بیشتر به این بحث در پژوهش حاضر نمی‌گنجد. در جدول‌های (۲۱) تا (۲۴) تعدادی از موارد کاربرد این همپایه‌ساز دو پایه به تفکیک همپایگی انواع ساخت‌های نحوی در هر دو پیکره متنی پژوهش حاضر نشان داده شده است:

جدول ۲۱. همپایگی با استفاده از «/na ... na/» همراه با حرکت سازه در پیکره رسمی

من نه فرشته‌ام، نه دیو.
غیر از اینها، نه صدایی بود و نه جنبشی.

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

جدول ۲۲. همپایگی با استفاده از «/na ... na/» در گروه فعلی و بند در پیکره رسمی

نه زور می‌گویم و نه زور می‌شنوم.
عزت‌الدوله هم آمد، اما نه دست در گردنش انداخت و نه گریه کرد.
نه آن وقت‌ها که با آلمان‌ها چشمک می‌زدید موافقتان بودم، نه حالا که با دشمنان‌شان ساخته‌اید.

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

جدول ۲۳. همپایگی با استفاده از «/na ... na/» در گروه اسمی در پیکره رسمی

خان‌کاکا! همینقدر می‌دانم که نه پدرت و نه جدت هیچ‌کدام منت احدی را نکشیدند.
نه منت فرنگی‌های کون‌نشسته را و نه منت خودی‌های تازه‌به‌دوران‌رسیده را.

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

جدول ۲۴. همپایگی با همپایه‌ساز «/na ... na/» نه ... نه» در تمامی ساخت‌های نحوی پیکره

محاویره‌ای

من نه ماهواره می‌خوام، نه دیش.
ایشون نه معتاده، نه مشکلی داره.
نه بچه شما با این جنگ و دعوا زنده می‌شه، نه شوهر منو به خاطر این داستان می‌برن بالای دار...

منبع: فرهادی (۱۳۹۳)

۴-۲-۴. همپایه‌ساز دوپایه «/ĉe... ĉe/» «چه ... چه»

یکی دیگر از همپایه‌سازهای دوپایه زبان فارسی «/ĉe... ĉe/» «چه ... چه» است که کاربرد آن نسبت به دیگر همپایه‌سازهای دوحرف‌ربطی از بسامد رخداد کمتری برخوردار است و بیشتر در سطح بند به کار می‌رود. تنها همین تعداد داده از بررسی پیکره‌های پژوهش حاضر به دست آمده است:

برای همپایه‌ساز دوپایه «/ĉe... ĉe/» تنها یک مورد از پیکره‌های محاوره‌ای یافت شد:

(۲۸) چه ما می دونستیم نامزد داره، چه نمی دونستیم.

(فرهادی، ۱۳۹۳: ۴۵۰)

جدول ۲۵. همپایه ساز /*êe... êe*/ در پیکره نوشتاری رسمی

با خودش عهد کرد کلو را فوراً بفرستدش ده، چه یوسف خوشش بیاید، چه بدش بیاید.
افسرها برگشتند، چه آنکه طناب داشت و چه آنها که بدون طناب بودند.

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

۵-۲-۴. همپایه ساز دوپایه /*gâh... gâh*/ «گاه ... گاه»

تنها موارد یافت شده از کاربرد این همپایه ساز در (۲۹) و (۳۰) آمده است:

(۲۹) حالا یوسف دوربین داشت و گاه خودش با دوربین تپه را زیر نظر می گرفت و گاه دوربین را می داد دست زنش.

(۳۰) و من برای خودم درآورده بودم که یک غده در پستان راستم است که گاهی پیدا می شود و گاهی ناپیدا.

(دانشور، ۱۳۹۵: ۸۹)

۳-۴. همپایه سازهای چندپایه

آن دسته از همپایه سازهای چندپایه که داده ای برای آن در دو پیکره پژوهش حاضر یافت شد، به این قرار هستند:

۱-۳-۴. همپایه ساز چندپایه /*jâ ... jâ ... jâ*/ «یا ... یا ... یا»

تنها در مثال های (۳۱)، (۳۲) و (۳۳) کاربرد این همپایه ساز چندپایه در پیکره رسمی مشاهده شد:

(۳۱) بعضی از دسته گل ها جوری بود که آدم می فهمید زن باغبانی آنها را با دست خودش چیده و با سلیقه خودش پیچیده یا بنده خدایی در صحرایی یا در مزرعه ای گشته و گشته و آن دسته گل وحشی یا آن بغل خوشه گندم را فراهم آورده.

(دانشور، ۱۳۹۵: ۲۶۱)

(۳۲) آنها تیفوس نداشتند، چرا که یا روی تخت‌ها نشسته بودند با کله‌های نواریچ شده و با دست‌های حمایل گردن، یا خوابیده بودند، با چشم‌های زخم‌بندی شده، یا پاهای گچ گرفته. (دانشور، ۱۳۹۵: ۱۵۱)

(۳۳) اگر با خیال زنده ماندن دوستی یا خواهری یا بیماری برق به چشم و خنده به لب او می‌آمد، چرا این شادمانی را از او بگیرد؟ (دانشور، ۱۳۹۵: ۲۱۷)

۲-۳-۴. همپایه‌ساز چندپایه /*ê... ê... ê*/ «چه ... چه ... چه»
در ساخت‌های همپایگی با این نوع همپایه‌ساز، تعداد همپایه‌ها و همپایه‌سازها برابر است. در پیکره‌های پژوهش حاضر، تنها یک مورد ساخت همپایگی با حضور همپایه‌ساز چندپایه /*ê... ê... ê*/ در پیکره رسمی یافت شد.

(۳۴) عزت‌الدوله تا بعد از ظهر سر مطلب اصلی نرفت، آن هم با چه طول و تفصیلی و چه مقدمه‌چینی و چه حاشیه‌رفتن‌هایی. (دانشور، ۱۳۹۵: ۱۶۳)

۳-۳-۴. همپایه‌ساز چندپایه /*na... na... na*/ «نه ... نه ... نه»
تعدادی از موارد یافت‌شده از این همپایه‌ساز چندپایه در پیکره‌های متنی پژوهش حاضر در جدول‌های (۲۶) و (۲۷) آمده است:

جدول ۲۶. همپایه‌ساز چندپایه /*na... na... na*/ در پیکره رسمی

زری از گفتن حقیقت به دکتر عبدالله خان نه ترس، نه ابا، نه رودریستی داشت.
نه مهتاب بود، نه ستاره، نه چراغ.
اما زری از همه چیز حالش به هم خورده بود. حتی از مرگ، مرگی که نه طواف، نه نماز میت و نه تشییع جنازه داشت.

منبع: دانشور (۱۳۹۵)

جدول ۲۷. همپایه‌ساز چندپایه /na... na... na/ در پیکره محاوره‌ای

یه قطعه شعری سروده که نه سیاسی، نه ضد رژیم، نه هیچی، یه شعر عاشقانه‌س.
من اون موقع نه به خودم فکر می‌کردم، نه به ماری، نه به تو و لئا.

منبع: فرهادی (۱۳۹۳)

۴-۳-۴. همپایه‌ساز چندپایه /ham... ham... ham/ «هم ... هم ... هم» تنها یک مورد ساخت همپایگی با همپایه‌ساز چندپایه /ham... ham... ham/ در پیکره متنی فارسی رسمی مشاهده شد:

(۳۵) صدای رعد هم آمد، برق هم زد و باران هم بارید.

(دانشور، ۱۳۹۵: ۲۳۱)

موارد یافت‌شده از کاربرد این همپایه‌ساز چندپایه در پیکره متنی پژوهش حاضر در جدول (۲۸) آمده است. همانطور که در مثال سوم جدول (۲۸) نمایان است، همپایه‌ساز /ham... ham... ham/ چهار بند را با یکدیگر همپایه کرده است:

جدول ۲۸. همپایه‌ساز /ham... ham... ham/ در پیکره محاوره‌ای

اونجا هم با هیشکی قاطی نمی‌شی ... کاری به کار کسی هم نداری ... آزاد هم شدی، دست‌خالی پا نشی بیای این جاها.
هم شیفت شب، هم شیفت روز، یه شیفت هم به‌زور دارم جات می‌دم.
بعد از ظهرم که اون اومد تو برمی‌گردی خونه‌ت. دخترتم می‌آد، ترمه‌م تنها نیست، دوتایی شون سرشون گرم می‌شه، خیال منم راحت.

منبع: فرهادی (۱۳۹۳)

۵. نتیجه‌گیری

کتاب سووشون دانشور و هفت فیلم‌نامه از اصغر فرهادی به‌عنوان پیکره‌های متنی پژوهش حاضر به‌منظور مقایسه انواع، بسامد وقوع و توزیع انواع همپایه‌سازها در دو گونه فارسی رسمی نوشتاری و محاوره‌ای غیررسمی انتخاب شدند. از آنجایی که کتاب هفت فیلم‌نامه مکالمه نوشتاری است و برخلاف بافت نوشتاری کتاب سووشون سیمین دانشور، از انسجام کمتری برخوردار است، مقایسه این دو کتاب با ذکر تعداد صفحه‌ها مقایسه درستی نیست.

تعداد صفحات پیکره نوشتاری محاوره‌ای این پژوهش حدود دو برابر پیکره نوشتاری رسمی آن بود، اما تعداد همپایه‌سازها در پیکره رسمی بالغ بر ده برابر پیکره محاوره‌ای بود. این اختلاف در تعداد همپایه‌سازها در این دو گونه زبانی نشان می‌دهد که کاربرد همپایگی چه به لحاظ بسامد وقوع و چه به لحاظ تنوع، در فارسی رسمی به مراتب بیشتر از فارسی محاوره‌ای است.

به علاوه، مشاهده شد که در هر دو گونه زبانی بسامد رخداد ساخت همپایگی در سطح گروه فعلی و بندها بیشتر از دیگر گروه‌های نحوی است. پس از گروه فعلی و بندها، بسامد ساخت همپایگی در سطح گروه اسمی و پس از آن، در گروه صفتی بیشتر است. سایر گروه‌های نحوی نظیر گروه حرف اضافه‌ای موارد انگشت‌شماری همپایگی داشتند.

همچنین، مشخص شد که تمایل به نشانه‌گذاری تهی / همپایه‌ساز ناآشکار در فارسی محاوره‌ای به مراتب بیشتر از فارسی رسمی است. در کنار همپایه‌سازهایی که تاکنون در پژوهش‌های پیشین بدان‌ها اشاره شده است، به همپایه‌سازهای کمابیش از نظر دورمانده */fagat/* «فقط»، */montahâ/* «منتها»، */ham/* «هم» و */bâ/* «با» نیز اشاره شد.

عناصری مانند */bâ/*، */ham/* و */ke/* در فارسی نقش‌های نحوی، معنایی و گفتمانی متعددی دارند و نیازمند مطالعات وسیع‌تری هستند؛ به گونه‌ای که پرداختن به تمامی جوانب آنها در پژوهش حاضر میسر نبود. ارائه دسته‌بندی‌های جدید برای این عناصر می‌تواند برای دستور زبان فارسی راهگشا باشد. داده‌های جمع‌آوری‌شده مربوط به هر یک از همپایه‌سازهای فارسی در جدول‌هایی جداگانه ارائه گردید تا امکان مقایسه آنها چه به لحاظ بسامد وقوع در دو گونه فارسی محاوره‌ای و رسمی و چه به لحاظ نوع بافت و شرایط کاربرد به آسانی فراهم باشد.

از دیگر عناصری که در کنار نقش‌های نحوی و گفتمانی متعدد خود نقش همپایگی هم دارد، */baʔd/* «بعد» است. بررسی این عنصر می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های تکمیلی قلمداد شود. کاربرد */bâ/* در مقام همپایه‌ساز در زبان فارسی سبب می‌شود زبان

فارسی در زمرهٔ زبان‌های /bâ/ «با»^۱ قرار بگیرد که در رده‌بندی زبان‌های جهان در مقابل زبان‌های /va/ «و»^۲ قرار می‌گیرد.

تعارض منافع

تعارض منافع نداریم.

ORCID

Elham Khazama



<http://orcid.org/0009-0006-1535-6116>

Mojgan Homayounfar



<http://orcid.org/0000-0002-8929-0838>

منابع

- خطیب رهبر، خلیل. (۱۳۶۷). دستور زبان فارسی کتاب حروف اضافه و ربط. تهران: مهتاب.
- دانشور، سیمین. (۱۳۹۵). سووشون (چاپ بیست و دوم). تهران: خوارزمی.
- شفائی، احمد. (۱۳۶۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی. تهران: نوین.
- شعبانی، منصور، کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالی، آفاگل زاده، فردوس و گلغام، ارسلان. (۱۳۸۹). ساخت همپایگی: با نگاهی به زبان فارسی. ادب پژوهی، ۴(۱۳)، ۱۳۱-۱۵۶.
- شقاقی، ویدا. (۱۳۸۷). مبانی صرف. تهران: سمت.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۴). دستور مفصل امروز بر پایهٔ زبان‌شناسی جدید. تهران: سخن.
- فرهادی، اصغر. (۱۳۹۳). هفت فیلمنامه از اصغر فرهادی (چاپ اول). تهران: چشمه.
- قریب، عبدالعظیم، همایی، جلال، یاسمی، رشید، ملک‌الشعراى بهار و فروزان‌فر، بدیع‌الزمان. (۱۳۷۳). دستور زبان فارسی (پنج استاد). تهران: ناهید.
- ماهوتیان، شهرزاد. (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی (ترجمهٔ مهدی سمائی). تهران: مرکز.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۸۸). دستور زبان فارسی (چاپ بیست و دوم). تهران: توس.
- همایون‌فر، مژگان و خزاما، الهام. (۱۳۹۸) «با» در نقش حرف اضافه و نیز همپایه‌ساز در فارسی. دستور، ۱۵، ۲۲۳-۲۴۷.

-
1. With-Languages
 2. And-Languages

References

- Daneshvar, S. (2016). *Suvashun* (Vol. 22). Tehran: Kharazmi. [In Persian]
- Farhadi, A. (2014). *Seven Movie Scripts written by Asghar Farhadi* (Vol. 1). Tehran: Cheshmeh Publications. [In Persian]
- Farshidvard, K. (2005). *Complete Grammar of Persian, According to Modern Linguistics*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Gharib, A., Homayi, J., Yasemi, R., Bahar, M., & Forouzanfar, B. (1994). *Persian Grammar*. Tehran: Nahid. [In Persian]
- Haspelmath, M. (2004). Coordination. In T. Shopen (Ed.), *Language typology and syntactic description*, (2nd ed.), (pp. 1-51). Cambridge: Cambridge University Press.
- Homayounfar, M., & Khazama, E. (2021). Bâ: Preposition and coordinator in Persian. *Dastoor*, 15, 223-247. [In Persian]
- Khatib Rahbar, K. (1988). *Grammar of Persian: Book of Prepositions and Conjunctions*. Tehran: Mahtab. [In Persian]
- Mahootian, S. (1999). *A Typological Approach to Persian Grammar* (Mehdi Sama'i Trans.). Tehran: Markaz. [In Persian]
- Mithun, M. (1988). The grammaticalization of coordination. In J. Haiman, & S. A. Thompson (Eds.), *Clause combining in grammar and discourse*, (pp. 331-359). Amsterdam: John Benjamins.
- Natel Khanlari, P. (2009). *Grammar of Persian*. (22nd ed.). Tehran: Toos. [In Persian]
- Shabani, M., Kord Zaferanlou, A., Aghagolzadeh, F., & Golfam, A. (2010). Coordination: Evidence from Persian. *Journal of Literary Studies*, 4(13), 131-156. [In Persian]
- Shafaei, A. (1984). *Scientific Principles of Persian Grammar*. Tehran: Novin. [In Persian]
- Shaghaghi, V. (2008). *Principles of Morphology*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Stassen, L. (2000). And-Languages and With-Languages. *Linguistic Typology*, 4, 1-54. <https://doi.org/10.1515/lity.2000.4.1.1>

Stilo, D. (2004). Coordination in three Western Iranian Language: Vafsi, Persian and Gilak. In M. Haspelmath (Ed.), *Coordinating Construction* (pp. 269-330). Amsterdam: John Benjamins.

استناد به این مقاله: خزاما، الهام و همایون فر، مژگان. (۱۴۰۳). همپایگی در زبان فارسی. *علم زبان*، ۱۱(۱۹)، ۴۴-۹.

doi: DOI: 10.22054/LS.2020.36067.1152



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.